

حکم زندان محسن حکیمی توسط دولت بورژوازی

دولت بورژوازی ایران محسن حکیمی فعال سرشناس جنبش ضد سرمایه داری را به 2 سال زندان محکوم ساخته است. حکیمی چهره آگاه، مبارز و همه جا فعال جنبش طبقه ای است که رهائی آن، رهائی بشریت و هر دورخیز طبقاتی اش در این راستا، تعرضی سنگین علیه اساس موجودیت نظام بشارستیز سرمایه داری است. پیکار در چنین سنگری به طور قطع سرشار از خطر می باشد و زندان، شکنجه، اعدام و هر عقوبت دیگر، طغیان قهر سرکش خشمی است، که از کارگاه توحش قانون، حقوق، مدنیت، دموکراسی، آزادی، مذهب و همه نهادهای دیگر نظم سرمایه، به سوی زندگی فعالین این طبقه جاری است. سهم حکیمی از زندان و مجازات سهمی است که روزمره همه فعالین واقعی جنبش سرمایه ستیز کارگران دنیا از بورژوازی دریافت می دارند. همین چند روز قبل نیز دو تن از همراهان حکیمی، محمود صالحی و جلال حسینی به جرمی از سنخ جرم وی!!! چنین حکمی را از ساحت حقوق، قانونیت، دیانت و مدنیت دولت سرمایه داری ایران دریافت کرده اند.

چرا دولت اسلامی سرمایه چنین کرده است؟ این کار قانونی نیست، ناحق است، ظالمانه است، با موازین رایج حقوق بشر سازگار نمی باشد!! و فراوان عبارت پردازیهای دیگر از این دست سواي آنکه مشارکت در متوهم نمودن توده های کارگر به حقوق و قانون و عدالت!!! سرمایه است، در عالم واقع آب در هاون کوبیدن نیز هست. تکرار این مفاهیم و ردیف کردن این عبارات به همان اندازه خرافه بار و توهم آفرین است که دخیل بستن به اتحادیه های کارگری از بیخ و بن سرمایه سالار و استمداد از آنها که مثلاً برای ابطال حکم زندان فعالین جنبش کارگری ایران ید و بیضاء کنند!!! حرف واقعی این است که حادثه سقز و سیر رویدادهای متعاقب آن تا امروز، لحظه ای از مبارزه طبقاتی میان پرولتاریا و بورژوازی در ایران و در سطح جهانی است. در مبارزه طبقاتی قدرت را تنها با قدرت می توان پاسخ گفت و قدرت طبقه کارگر در بسیج متحد، سازمان یافته، آگاهانه و افق دار ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی وی نهفته است. طبقه کارگر در تهدید و توقف شریان ارزش افزائی سرمایه، در به مخاطره انداختن و متوقف نمودن پروسه تولید اضافه ارزش است که می تواند قدرت خود را علیه سرمایه به نمایش گذارد. هر تلاش توده های کارگر در این راستا، هر گونه جنب و جوشی که بساط نظم تولیدی و سیاسی سرمایه را با مخاطره روبرو سازد، می تواند بر پروسه تصمیم گیری بورژوازی از جمله بر دستور کار بیدادگاههایش تأثیر تعیین کننده بر جای گذارد. جنبش کارگری ایران و جنبش کارگری انترناسیونالیستی با کمال تأسف در موقعیت مناسب برای چنین اعمال قدرتی نیست. اتحادیه های کارگری دیرزمانی است که بورژوازی را از خطر جنبش سازمان یافته مقتدر ضد سرمایه داری طبقه کارگر آسوده ساخته اند. با همه اینها در قبال هر جنایت و سببیت سرمایه علیه هر فعال کارگری باید از هر طریق ممکن و به میزان توان موجود دست به مقابله و مقاومت زد. کارگران ایران در این روزهای حساس نباید محسن حکیمی و همراهان وی و به بیان دقیق تر پیشروان فعال جنبش ضد سرمایه داری طبقه خود را تنها گذارند. باید اعتراض علیه توحش بورژوازی در حق این فعالین را به موضوع گفتگوی روز در کلیه مراکز کار و تولید تبدیل کرد. باید همه جا دست به اعتراض زد. در هر کجای ایران که ممکن است ولو برای یک دقیقه چرخ تولید را از کار انداخت. این اعتراض و مبارزه را باید در سطح انترناسیونالیستی نیز دنبال نمود. باید همه جا به سراغ فعالین جنبش ضد سرمایه داری رفت. باید با آنها به گفتگو نشست و چگونگی مقابله با جنایت بورژوازی را موضوع بحث و چاره گیری روز ساخت.

فعالین جنبش لغو کار مزدی